



ترجمان وفاق

محسن میردامادی، دبیرکل پیشین جبهه مشارکت ایران طی یادداشتی در سایت مشق نوشت: «اصطلاح consociationalism که در متون علوم سیاسی «همیاری» ترجمه می‌شود، به نوعی دموکراسی اطلاق می‌گردد که درصدد سامان‌بخشی به مشارکت در قدرت، از طریق واگذاری حقوق جمعی به گروه‌های متنوع، در کشوری است که در برگیرنده جوامع مختلف و بعضاً متعارض است. یک کشور همیار به کشوری اطلاق می‌شود که دارای تقسیم‌بندی‌های مهم داخلی در زمینه‌های مذهبی، قومی، زبانی و امثال آن است؛ به نحوی که هیچ‌یک از آنها به اندازه کافی بزرگ نیست که گروه اکثریت را شکل دهد، و در عین حال تلاش می‌کند از طریق مشورت میان نخبگان گروه‌های اصلی اجتماعی ثبات خود را حفظ کند. کشورهای دارای نظام‌های همیار نوعاً متفاوت از کشورهایی هستند که نظام‌های انتخاباتی اکثریتی دارند و معمولاً دارای نظام انتخاباتی تناسبی هستند.» در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: «در نظام‌های همیار، نوعاً بر اساس اصولی که در قوانین اساسی کشور درج شده، هیچ گروهی به تنهایی تصمیم‌گیر نهایی نیست و صرف اکثریت بودن چنین حقی برای آنها ایجاد نمی‌کند. در برخی موارد گروه‌های اقلیت برای حفظ منافع حیاتی‌شان از حق وتو برخوردارند. اگر چه نظام همیاری نوعاً در رابطه با کشورهای دارای نظام پارلمانی مطرح بوده ولی می‌تواند برای دیگر نظام‌ها نیز موضوعیت داشته باشد. در کشور ما نیز با توجه به تجربه‌ها و فرازونشیب‌ها و تعارضات مستمر و فزاینده گذشته و نارسایی‌های ساختاری شاید چنین مدلی بتواند برای شرایط پیچیده جامعه مورد توجه و تأمل قرار گیرد و راه‌حلی ارائه دهد. در کشور ما دو جناح مهم سیاسی وجود دارند، که در حال حاضر با عناوین اصلاح‌طلب و اصول‌گرا شناخته می‌شوند. تحولات دهه‌های اخیر در کشور نشان داده است که اصلاح‌طلبان از پشتوانه رأی بیشتری در میان مردم برخوردارند و در مقابل، اصول‌گرایان کانون‌های مهم قدرت را در اختیار داشته‌اند و دارند. به عبارت دیگر ساختار سیاسی چندان منبعث از ساختار اجتماعی نیست و تحولات پرهزینه دهه‌های اخیر نیز، به جز ابرام ناکارآمدی روزافزون کلیت نظام، حاصلی در جهت تغییر محسوس این موازنه ایجاد نکرده است. اگر پیروزی فاعل اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس در دهه هفتاد برای برخی این تصور را ایجاد کرده بود که کشور وارد دوران دموکراسی اکثریتی شده و آن را بازگشت‌ناپذیر تلقی می‌کردند، تحولات پس از آن نشان داد که تا رسیدن به چنان دموکراسی‌ای هنوز راهی دراز در پیش است. وی در ادامه آورده است: «اصول‌گرایانی نیز که تصور می‌کردند با مانع‌گذاری‌های مختلف در فرآیندهای انتخاباتی و حذف قیما از صحنه و رسیدن به حاکمیت یک‌دست می‌توانند مدیریتتی هماهنگ و کارآمد و مطلوب ارائه دهند با تجربه این موارد و پرداخت هزینه‌های سنگین در دوران احمدی‌نژاد و تکرار پرهزینه آن در دولت رئیسی و ناکارآمدی آن واقع‌بین‌تر شده‌اند و توجه حاکمیت کارآمد یک‌دست به قیمت ادبار اکثریت مردم از صندوق رأی دیگر برای آنها هم تجربه‌ای شکست‌خورده شده است؛ موضوع مهمی که در شرایط جدید باید مورد توجه قرار گیرد، پیدایش نیروهای جدید و تأثیرگذار در عرصه سیاسی کشور و در موازنه قوا است. امروز جمعیتی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، پتانسیل مهمی هستند که حکومت نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد. زنان، جوانان، و اقلیت‌های قومی و مذهبی که در گذشته معمولاً مورد توجه جدی حکومت‌گران نبوده‌اند و جایگاه در خوری در ساختار سیاسی کشور نداشته‌اند، امروز به‌راتب مطالبه‌گرتر از گذشته هستند و حکومت نمی‌تواند به‌شکل گذشته یک‌طرفه در مورد آنها تصمیم‌گیری کند. اینک، با توجه به تجارب طولانی و پرهزینه گذشته که در حال حاضر هیچ نیرو و جناحی از آن احساس رضایت نمی‌کند و با توجه به موازنه جدیدی که در کشور به‌وجود آمده، به نظر می‌رسد جامعه نیازمند اتخاذ رویکردی عقلانی‌تر و تعامل‌گرایانه از سوی حاکمیت است؛ رویکردی که بتواند در برگیرنده همه نیروها و پتانسیل‌های بالفعل و بالقوه جامعه، فراتر از صرف جریان‌های سیاسی سنتی، باشد.»

میردامادی در پایان تصریح کرد: «شعار وفاق ملی که آقای پرنشکیان در انتخابات اخیر مطرح کرده و مورد اقبال نسبی قرار گرفته است، در صورت عدم توقف در ظواهر، می‌تواند شروع فصل جدیدی در عرصه سیاسی کشور باشد. شرط لازم موفقیت چنین رویکردی تبیین و تعریف وفاق ملی و همچنین انعطاف‌پذیری بازیگران سیاسی و اجتماعی و به‌خصوص همراهی همه قوا و کانون‌های قدرت با آن است. البته، نفس رئیس‌جمهور شدن آقای پرنشکیان را می‌توان اگام اول در همراهی کانون‌های قدرت تلقی کرد. شاید این رویکرد جدید در حال تجربه از آخرین فرصت‌های نظام برای عبور از بحران‌های داخلی و خارجی باشد.»

دوقطبی‌سازی و دلزدگی جامعه

بررسی کلیدواژه‌های وفاق سازو در مقابله با دوقطبی‌سازی در گفتمان رهبری

از پیش در جامعه جاری سازند. مسئولان کشور، رئیس‌جمهور مؤمن و محترم، دولت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و همه مسئولان با جدیت و همدلی تلاش می‌کنند وظایف خود را انجام دهند و مشکلات موجود را حل کنند و هیچ‌کس نباید به خود حق دهد به رئیس‌جمهور، مجلس، قوه قضائیه و نهادهای قانونی کشور اهانت کند و آگاهانه یا ناآگاهانه خواست دشمن را پیگیری کند.

در اجتماع مردم قانع:

هیچ‌کس نباید خود را بالاتر از دیگران فرض کند که من بالاترم، من با ایمان‌ترم؛ ابتدا، در اسلام، وحدت یکپارچگی و همدلی است و بحمدالله انقلاب این هدیه بزرگ را به ملت ایران داد و ملت ایران از این هدیه بزرگ - هدیه وحدت و وفاق ملی - تا امروز بیشترین بهره را برده است. شما اگر این اتحاد را نداشتید، اگر این ملت اتحاد بر اساس ایمان و بر محور نظام جمهوری اسلامی نداشت، دشمنان گردن کلفت و قلدری که در دنیا هستند، زندگی را بر این ملت، تنگ می‌کردند. اما شما ملت ایران به برکت ایمان‌تان، به برکت پابندی خود به احکام اسلامی، به برکت وحدت و ایمان اسلامی، به برکت آگاهی و قدرت تفکر و تعقلی که در شماست و مسائل را می‌سنجید و فکر می‌کنید، تا امروز توانسته‌اید چه در جنگ، چه در میدان سیاست و چه در میدان اقتصاد، در دشمنان بزرگ جهانی فائق آید. از این به بعد هم به برکت ایمان، به برکت اتحاد، پیروی از خط امام و پابندی به مبانی اسلام و انقلاب و به برکت دست‌های مستحکمی که در هم گره کرده‌اید، خواهید توانست بر همه قدرتهای زورگو، بر همه سلطه‌گران و چپاولگران عالم و بر همه کسانی که می‌خواهند بر ملت‌ها تسلط پیدا کنند، فائق آید و توطئه‌های آنان را نقش بر آب کنید.

دیدار جمعی از رؤسا، اساتید، هیئت‌های علمی و تشکل‌های اسلامی دانشگاه‌های تبریز:

تفاهم، وفاق جمعی و وحدت و یکپارچگی ضرورت دارد. طی سال‌های گذشته بنده بیشترین تأکید را بر اهمیت سیاسی شدن دانشگاه‌ها و فهم سیاسی دانشجویان کرده‌ام. فهم سیاسی غیر از سیاسی‌کاری، سیاست‌بازی و دستخوش جریان‌های سیاسی شدن است. فهم سیاسی مانع از آن می‌شود که انسان بازیچه جریان‌ها و گروه‌های سیاسی شود. من خواستار آن هستم که دانشجوی به مرتبه‌ای از رشد سیاسی برسد که بتواند حقیقت را از میان شعارهای این و آن تشخیص دهد، فریب نخورد و به وسیله‌ای در خدمت کسانی که فقط به دنبال قدرت هستند، تبدیل نشود و این مهم جز با سیاسی شدن دانشجویان و دانشگاه ممکن نخواهد شد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران:

تا امروز بحمدالله رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و مسئولان کشور، موضع انقلاب، موضع امام، موضع اسلام و پابندی به ارزش‌های اسلامی را هر روز تکرار می‌کنند. این مایه افتخار است؛ این خودش یکی از وسایل وحدت‌بخش است. یکی از عواملی که می‌تواند در سطح کشور دل‌ها را به هم نزدیک کند، همین است. این است که بنده مکرر عرض می‌کنم دلها باید با هم انس پیدا کند، وفاق پیدا شود و جریان‌ها به هم نزدیک شوند.

نماز جمعه تاسوعای حسینی:

من از همه گروه‌ها، از همه جمعیت‌ها، از همه احقاد مردم، از عموم ملت ایران و جوانان - که البته خدا از ملت ایران و از جوانان راضی باشد؛ حقیقتاً بهترین نقش را شما همیشه در همه احوال نشان دادید - خواهش می‌کنم که مراقب فریب دشمن باشند. الان هم هیچ گله و شکوه‌ای از مردم



از چهره‌های جریان‌های مختلف منطبق با ادعای پرنشکیان از تشکیل «دولت وفاق ملی» بود، اما دوقطبی‌سازی و موضع‌گیری نسبت به آن رخ داد و عملاً برخی نه از زاویه سیاسی بلکه از زاویه دفاع از وفاق ملی به اظهارنظر پرداختند؛ آخرین نمونه آن شاید اختلافات پیش‌آمده میان علیرضا پناهیان و روزنامه کیهان باشد که پناهیان در بخشی از سخنرانی خود خواستار بسته شدن رسانه‌های دولتی شد که به دوقطبی‌سازی رسانه‌ای اقدام می‌کنند. او گفته است: «من واقعاً از ریاست محترم مجلس شورای اسلامی تقاضا می‌کنم برای دوقطبی‌سازی در فضای رسانه‌ای مقرراتی در مجلس وضع شود. روزنامه‌هایی که از خرج دولت ساخته و پرداخته شده از کیهان گرفته تا اطلاعات، از جمهوری اسلامی تا هر جمهوری غیراسلامی که روزنامه‌های بخواد مدعی‌اش باشد (اینها که حالاً نیست)؛ اینها حق ندارند دوقطبی‌سازی بکنند؛ چون از جناح مخالف است من فقط انتقاد می‌کنم. در این روزنامه را ببندند. چون از این جناح است یا از آن جناح است. به خدا این روش‌های پلیدی است که باید اصلاح شود.» در پی این بحث‌ها که در فضای اصولگرایی به میان آمده به این اشاره شده که مسئله ضرورت جلوگیری از دوقطبی‌سازی در کشور از سخنان موکد رهبری است و ایشان همیشه بر وفاق و وحدت جامعه تأکید داشته‌اند. بر همین اساس در ادامه به بخش‌هایی از سخنان رهبری که در حوزه مقابله با دوقطبی‌سازی و تأکید بر وفاق و وحدت اشاره داشته‌اند، می‌پردازیم.

و تشنج در جامعه می‌دانند، مجلس شورای اسلامی می‌تواند مظهر وحدت، التیام، هماهنگی، صداقت، وفاق و برادری و مظهر همکاری با قوه مجریه و دولت باشد و این ویژگی‌ها را به عنوان الگو در پیش چشم مردم نگذارد.

دیدار هزاران نفر از روحانیان و مبلغان:

هر کس به گونه‌ای عمل کند که اختلافات عمیق جناحی را در جامعه ترویج و القاء کند، به دشمن خدمت کرده است و مبلغان دینی باید با تبیین وحدت و وفاق موجود در میان مسئولان و مردم، مهر و محبت و همدلی را بینش

گروه سیاست: «دولت باید مظهر وفاق باشد. بعضی از این تغایرهای موهومی را که در بین مردم وجود دارد، بایستی با نگاه وفاق‌آمیز و نگاه ملاحظه به عموم مردم این توهمنات را تضعیف کرد. حالا ممکن است این نگاه‌ها، این اختلاف‌نظرها به کلی از بین نرود لکن بایستی از تأثیرگذاری آنها در حرکت جامعه جلوگیری کرد.» اینها بخشی از سخنان رهبری در مراسم تنفیذ حکم ابراهیم رئیسی، به عنوان رئیس دولت سیزدهم است که در آن بر تشکیل «دولت وفاق» تصریح شده است. «وفاق ملی» و «همدلی» از آن شعارهایی است که به دل همه می‌نشیند اما محقق کردنش پر است از دشواری و حاشیه. در همین مدت کوتاهی که مسعود پرنشکیان دولت خود را بر مبنای وحدت و وفاق ملی خوانده است، برخی به او انتقاد کردند؛ چه در مسیری که او پیش گرفته و چه در مهره‌هایی که برای تحقق وعده‌اش معرفی کرده است. با این وجود پرنشکیان بدون توجه به ایرادات مطرح شده و آنطور که خودش می‌گوید جهت کاهش اختلافات، دولت چهاردهم را «دولت وفاق ملی» نامید و سعی کرد از تمام طیف‌ها و جریان‌های سیاسی، قومی و مذهبی در کابینه و ساختار مدیران خود استفاده کند. او در اکثر سخنرانی‌های خود، در جلسات تحلیلی و رای اعتماد به کابینه دولت چهاردهم و... بر این موضوع تأکید کرده است. همین موضوع هم واکنش‌هایی در فضای سیاسی کشور به وجود آورد تا جایی که حتی درباره نحوه استفاده از این اصطلاح هم بحث‌ها شکل گرفته و با وجود آنکه دولت چهاردهم ترکیبی

▼ وحدت و انسجام

وفاق ملی از آن موضوعاتی است که رهبری از دیرباز، بر آن تأکید کرده و حتی سال ۱۳۹۴ را «دولت و ملت، همدلی و هم‌بانی» نامگذاری کرد و در بزنگاه‌ها بر وفاق ملی تأکید داشته است:

دیدار نمایندگان مجلس:

مجلس شورای اسلامی در مقایسه با مجالس امروز دنیا با فاصله‌ای بسیار زیاد یک مجلس نمونه است و در شرایط امروز کشور که عده‌ای حیات خود را در ایجاد تضاد

آماده کمک به دولت چهاردهم هستیم

حسن روحانی، رئیس‌جمهوری دولت‌های یازدهم و دوازدهم در ادامه جلسات دوره‌ای خود با وزیران و معاونان خود، گفت: «اعضای دولت تدبیر و امید چه در دولت قبل و چه این دولت، آمادگی داشته و دارند که تجربیات و نظرات خود را جهت کمک به پیشبرد امور و رفع مشکلات کشور منتقل و همکاری کنند. مردم نسبت به قیل تا حدی امیدوارتر شدند، مخصوصاً به مسئولان سیاست خارجی و اقتصادی و فرهنگی دولت امید بستند. البته معضلاتی داریم که بخشی از آن‌ها ساختاری است که برای حل آن باید برنامه‌ریزی میان‌مدت یا بلندمدت کرد. برخی از مشکلاتی که وجود دارد باید یک‌پارچه برنامه کوتاه‌مدت، سریع و فوری حل شود.»

احساس کنند که دیده می‌شوند، شنیده می‌شوند و به پیشنهادها و انتقادات و اعتراضات آن‌ها پاسخ داده می‌شود. به هر حال در این انتخابات، نیمی از مردمی که می‌توانستند رأی بدهند، رأی ندادند؟ آیا این بزرگترین مسئله کشور و انقلاب نیست؟ نباید متواضعانه از آن‌ها بپرسیم چرا رأی ندادید؟ چرا رأی خود را در تعیین سرنوشت کشور مؤثر ندانستید؟ مگر ما غیر از این مردم، در قدرت‌های دنیا حامی دیگری داریم؟»

او با بیان اینکه باید عوامل نارضایتی مردم از مداخلات بی‌بهره در امور زندگی‌شان شناسایی و اصلاح شوند، گفت: «فضای مجازی را بی‌خود و نادرست روی مردم بستند و هر ماه مردم کلی پول باید بابت فیلترشکن بدهند. آیا این شایسته ملت ایران با این هوش و استعداد است؟ می‌گویید فیلتر نباشد، سوءاستفاده می‌شود. مگر بستن مانع سوءاستفاده شد؟ مگر گسترش استفاده از فیلترشکن و رفع قبح از آن، تخلفات و سوءاستفاده‌ها را بیشتر نکرد؟ دیوارکشی را بهتر یاد گرفتیم. فقط با دنیا دیوارکشی نمی‌کنیم، در داخل هم دیوارکشی می‌کنیم. اگر بی‌حرمتی به ناموس مردم در خیابان‌ها، مردم را

چهره

